

تاریخ و جغرافیای برازجان

○ تاریخ و جغرافیای برازجان، یا «سنگر

مجاهدین»

○ تألیف: علیمراد فراشبندی

○ ناشر: چاپخانه محمدی، شیراز، ۱۳۳۶، ۲ ج

کتاب تاریخ و جغرافیای برازجان یا «سنگر

مجاهدین» از جمله آثار ارزشمند محقق و نویسنده نامدار جنوب ایران مرحوم استاد علیمراد فراشبندی برازجانی است. با اینکه این روزنامه نگار پرشور و وارسته دشتستانی در زندگانی پر خیر و برکت و خویش، منشاء آثاری بسیار گرانبها در زمینه تاریخ و ادبیات جنوب ایران بوده است و بیش از چهل جلد کتاب تصنیف و تالیف کرده‌اند اما کتاب تاریخ و جغرافیای برازجان یا سنگر مجاهدین در ۲ جلد که در سال ۱۳۳۶ شمسی در شیراز، چاپخانه محمدی منتشر کردند، در میان کتاب‌های این استاد فقید به جهت مضمون و محتوا و تنوع مطالب و احقاق حقوق کسانی که در تاریخ معاصر (دوره پهلوی) مورد بی‌مهری خاص قرار گرفتند، امتیاز ویژه دارد. البته فراشبندی را می‌توان از جمله پیشتران فرهیخته‌ای به شمار آورد که به گونه‌ای مستند دست به تألیف و تصنیف تاریخ‌های محلی زده‌اند.

تاریخ و جغرافیای برازجان یا «سنگر مجاهدین»

را فراشبندی در دو جلد تنظیم و منتشر کرد. در مقدمه جلد اول این کتاب، استاد فراشبندی، هدف خود را از تالیف این اثر، بدین گونه بیان داشته‌اند:

«چون بسیاری از علاقه‌مندان به وظیفه خویش پی برده و اوضاع جغرافیایی محل یا نواحی خود را جمع‌آوری کرده و تقدیم جامعه ایرانی نموده‌اند، لذا من هم بر خود فرض و لازم شمردم که بدان عناصر وظیفه دان تاسی نموده اطلاعات و نتیجه تحقیقات خود را، راجع به برازجان به ضمیمه تاریخیچه و مختصری از اوضاع و احوال آنجا به رشته تحریر درآورده به صورت کتابی تقدیم استان هم میهنان عزیز و پیشگاه تاریخ مفضل ایران نمایم، تا همچنان که گذشتگان ما را از حالات خود بی‌اطلاع نگذاشته و گذاشتند، ما هم به نوعی به نوبه خود آیندگان را بی‌اطلاع نگذاشته و گذاشته باشیم.»

و در جایی دیگر، مقصود خویش را از تالیف این کتاب چنین نگاشته است: «... مقصود اصلی از نوشتن تاریخ و ترجمه حال بزرگان این است که، جامعه از مقاصد آنها

○ هیبت‌الله مالکی

دانشگاه آزاد اسلامی فیروزآباد

سرسخت است که بنا به شهادت تاریخ هر موقعی پای وطن‌پرستی پیش آمده تا پای جان از منافع ملی و قومی این کشور دفاع کرده‌اند، بنا به شهادت تاریخ به کرات به واسطه موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی «سنگر مجاهدین» و مدافعین استقلال و عظمت، حافظین شرافت و حیثیت ملی قرار گرفته است.»

نویسنده در ادامه این مطلب به نقل یک سند از کتاب **روضه الصفای ناصری رضا قلی خان هدایت** مبادرت می‌نماید، آنجا که هدایت در فصلی تحت عنوان ذکر واقعات فارسی و بندر بوشهر می‌نویسد: «شجاع الملک در چهارشنبه دهم جمادی الاولی از طریق فیروزآباد به فراشبند و از آنجا به نینزک (دو فرسخی شهر برازجان)، و از نینزک به برازجان آمده و در آنجا اتراق کرد و به تجهیز عساکر پرداخت و با بزرگان لشکر که در اردو اجتماع داشتند به «بنیان سنگر و حفظ لشکر» پرداخت.»

باز هم مؤلف توضیح علت انتخاب عنوان مذکور چنین نوشته است: «اتکا ما تنها به تاریخ مدون نیست، آثار سنگرهایی که مجاهدین در شرق برازجان حفر کرده بودند تا چند سال پیش باقی بوده، شاید هنوز هم باقی باشد هنوز خون فرزندان غیور و رشید برازجان و سایر شهدای دشتستانی که با ایثار خون خویش از شرافت ملی ایران مردانه دفاع کردند هر بهاران همواره شکفتن لاله‌های وحشی از زمین دشتستان می‌جوشد و درس وطن‌پرستی و شرافتمندی را به نسل‌های آینده می‌دهد.»

نویسنده، پس از بحثی مستوفی پیرامون جنگ خوشاب و مقاومت مردم دشتستان و عشایر قشقایی به گفته **سرپرستی سایکس** در جلد دوم تاریخ ایران استناد می‌کند و می‌نویسد: «در ژانویه ۱۸۵۷ م. سرجیمز انزام فرماندهی قوای انگلیس را به دست گرفت و مصمم گشت که به نیروهای ایرانی که مطابق خبر واصله در برازجان واقع در ۴۶ مایلی بوشهر به سمت شیراز موضع گرفته بودند حمله ببرد.»

و برای آگاهی بیشتر از چگونگی نبرد خواننده را به

آگاهی یابد و از راهی که آنان رفته‌اند برود، مگر تاریخ چیست؟ غیر از کارها و داستان زندگانی مردان بزرگ!!؟ مردانی که اراده‌های خلل‌ناپذیر و عزم‌های آهنین داشته‌اند. راستی اگر زندگانی مردانی بزرگ نبود تاریخ کجا بود؟ کی یک مشت افراد ضعیف النفس به عبارت ساده کوچک می‌توانند تاریخ داشته باشند...؟ و نیز چنین می‌افزاید که: «در حقیقت داعی و محرک اصلی من همانا اشتیاق وافر به معرفی زادگاهم که از هر لحاظ ناحیه قابل توجهی است بوده و می‌باشد که، خوانندگان عزیز کاملاً به اوضاع طبیعی و اقتصادی و کشاورزی این منطقه مستعد و عظیم فلاحتی آشنا شوند و مصادر امور به منظور حداکثر بهره‌برداری از این آب و خاک قدمی نیز در راه بهبود اوضاع و احوال آنجا بردارند. بدین جهت برای شناسایی این منطقه زرخیز یا بهتر بگویم «هند کوچک» در مقام آن برآمده با استفاده از اطلاعاتی که داشتم و مطالعات و مشاهداتی که کرده بودم، تا اندازه‌ای که میسر بود بیشتر وضع جغرافیایی و تاریخی آنجا را برای خوانندگان محترم تشریح نمایم.»

فراشبندی در جلد دوم تاریخ و جغرافیای برازجان یا سنگر مجاهدین، انگیزه خود را درباره اینکه چرا در کتاب حاضر برازجان، را سنگر مجاهدین نامیده، اینگونه شرح می‌دهد: «چون بعضی از خوانندگان جلد اول تاریخ و جغرافیای برازجان از نگارنده سؤال کرده‌اند که، چرا برازجان را سنگر مجاهدین می‌گویند؛ ما در اینجا علت اینکه برازجان را سنگر مجاهدین می‌نامند تا آن جایی که مقدر است ذیلاً توضیح می‌دهم.

خوانندگان محترم برازجان آن ناحیه تاریخی است که از قدیم الایام موقعیت مهمی را در صفحات تاریخ ایران حائز است. بدین جهت «سنگر مجاهدین» می‌گویند که، صرف نظر از اینکه همیشه مرکز رشد و تربیت قهرمانان و دلاوران، مردان جنگی و سلحشور بوده که در قاموششان ترس و وحشت وجود خارجی نداشته؛ کثام شیران و دلیرانی که نگهدار مرزهای جنوبی کشور و حافظ سنن باستانی این آب و خاک بوده‌اند می‌باشد موطن مردمی

زندگی من در طول هفتاد سال تاریخ معاصر ایران

بقلم سرهنگ احمد اخگر

جلد اول

مرحوم استاد علیمراد فراشبندی را می توان
از جمله پیشتازان فرهیخته ای
به شمار آورد که به گونه ای مستند
دست به تألیف و تصنیف
تاریخ های محلی زده اند

استاد فراشبندی، برازجان را
از جمله شهرهایی می داند که دارای
سابقه بسیار طولانی تاریخی است و آن را
در زمره نقاطی قلمداد کرده که
در عهد باستان دارای رونقی
زائدالوصف بوده است

کشف آثار باقی مانده از
کاخ کوروش هخامنشی در
غرب برازجان،
سابقه تاریخی برازجان را
به ۵۲۹ سال قبل از میلاد رسانید

تاریخ های فارسانه ناصری و حقایق الاخبار
میرزا محمدجعفرخان حقایق نگارخور موجی ارجاع
می دهد.

در چند سطر بعد فراشبندی به نقل از رکن زاده
آدمیت در فارسی و جنگ بین الملل اول، سنکر
مجاهدین و مرکز احرار و ملیون بودن برازجان را در جنگ
جهانی اول نیز چنین یادآور شده است: «مصنف کتاب
فارس و جنگ بین الملل اول در جلد اول کتابش آنجائیکه
راجع به مرحوم غضنفر السلطنه بحث می کند گرچه
درباره این سردار شجاع وطن پرست که سزاوار سرنوشتی
بہتر از این بود و شایسته است در ردیف لایق ترین
سرداران ایران که تاریخ از آنها یاد می کند قرار گیرد حق
مطلب را بیجا نیاورده صریحاً می نویسد: «برازجان و حوزه
حکمرانی او مامن نیکوکاران و ملجاء مجاهدین و مرکز
اعمال وطن خواهان بشمار می رفت... و از آنجایی که
برازجان «مرکز و سنگر مجاهدین» قرار گرفته بود و
کانون فعالیت های ضداجنبی شده بود و مجاهدین و
دموکرات های شیراز نیز تحت سرپرستی حضرت
آیه الله العظمی مرحوم آقا شیخ جعفر محلاتی به منظور
جهاد با اجنبی از شیراز به برازجان وارد شده بودند و به
صفوف احرار و مجاهدین برازجانی ملحق گردیده بودند
و مهمان نوازی مرحوم غضنفر السلطنه نسبت به اردوی
اعزامی از شیراز را برشمرده و در پایان به کمک مادی و
حمایت معنوی غضنفر السلطنه برازجانی از واسموس،
کنسول فراری آلمان که به دشتستان پناهنده شده بود
اشاره می کند، سپس چنین نتیجه می گیرد که: «خواننده
محترم این جهات و جهات دیگر باعث شده است که
برازجان را سنگر مجاهدین بنامند.»

فراشبندی، جلد اول کتاب را در یک مقدمه و نوزده
فصل تنظیم کرده است که، فهرست مطالب و مندرجات
آن به قرار زیر است: پیدایش برازجان - اوضاع طبیعی
برازجان - اوضاع اقتصادی - اوضاع سیاسی شهرستان
برازجان - اوضاع عمومی شهرستان برازجان - برازجان
در گذشته - شهرستان وسیع برازجان شایسته هرگونه

تا دلی آتش تکبیر حرز جانسوزی نکوید
حال ما خواهی آس در کفتمما جستجو کن

سند خدمت من مردم دشتستان

بقلم علیمراد فراشبندی
مدیر سابق روزنامه خانه ملت

نام کتاب

مرحوم سرهنگ احمد اخگر
سردار آن همه و نایب آنکل
مردم آهسته

تاریخ و جغرافیای برازجان
یاسنجر مجاهدین

تألیف و تصنیف علیمراد فراشبندی در سابق روزنامه خانه ملت

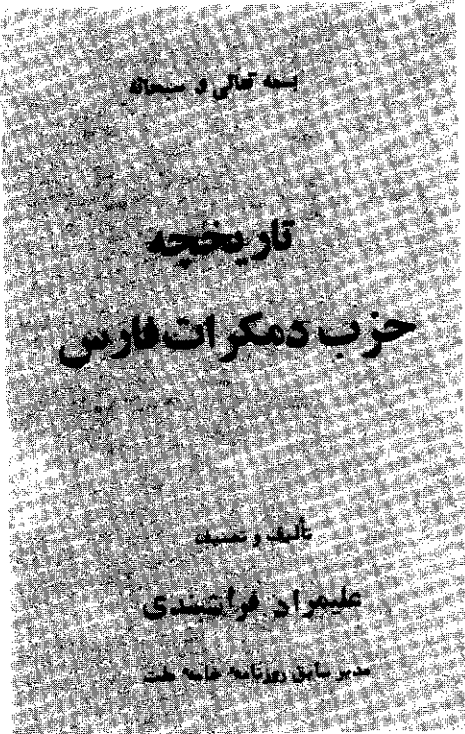
جلد دوم

سین چاپ سطر لا وکل ندرجهاد بدون دگر مانت صرح است

یاسنجر مجاهدین

یاسنجر مجاهدین

روشنفکران و معارف پروران درصدد تشکیل مدارس در
سایر نقاط فارس برآیند، از این رو در سال ۱۳۳۴ قمری
[۱۲۹۴ خورشیدی] شیخ مهدی نامی از اهل کازرون بنا
به پیشنهاد و تشویق مرحوم غضنفر السلطنه حاکم
برازجان و مضافات، در یکی از منازل شخصی او
مدرسه ای به سبک جدید در برازجان تاسیس نمود، ناگفته
نماند این مدرسه خصوصی و ابتداء برای تعلیم و تربیت
فرزند مرحوم غضنفر السلطنه و فرزندان اتباعش تاسیس
شد، لیکن توجه خاصه و اقبال شایان مردم دانش پژوه
برازجان و علاقه مندی مرحوم غضنفر السلطنه که فی
الواقع بنیادگذار حقیقی فرهنگ جدید در برازجان می باشد،
سبب نشد که، آن موسسه تربیتی عمومی شود و فرزندان



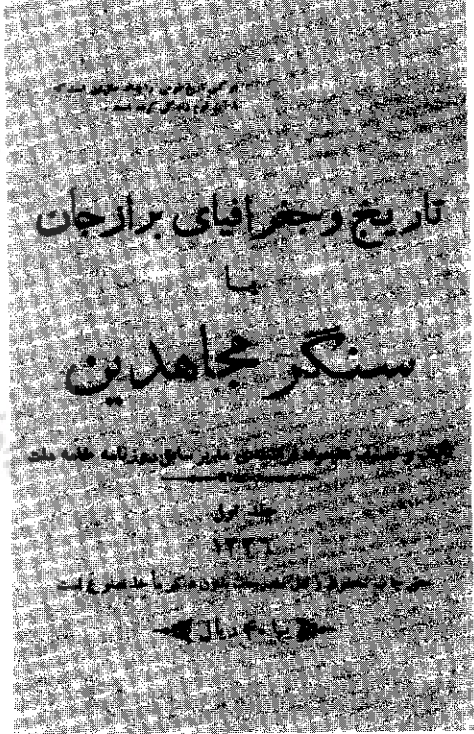
چنانکه از نام برازجان برمی آید و آثاری که در مشرق شهر کنونی، «تنب گرو» Tonb grow به دست آمده، همچنین خمره‌هایی که در دامنه تپه‌های اطراف این شهر ویران شده کشف شده، سابقه شهر را به دوران ایلامیان کشانید

نویسنده در فصل شانزدهم جلد اول، طوایف مهم برازجان را برشمرده و در فصل بعد به پیدایش فرقه سیاسی بهایی در شهر برازجان پرداخته و در ادامه آثار تاریخی برازجان را به اختصار معرفی کرده است

کمالات عدیده و عالیه و محصل حکمت متعالیه، جامع علوم عقلیه و نقلیه و شرعیه و دینیة آقای محمد جعفر واجد که از مفاخر علمی و ادبی مردم آن حدود است از فضلاء و دانشمندان و نویسندگان و گویندگان درجه اول فارس می‌باشد، معظم‌له که از فضلاء زمان ممتاز و بین‌الامثال و الاقران با اعزاز می‌باشد و چون گنجی به کنجی معتکف است در سال ۱۲۸۲ هجری شمسی دربرازجان متولد شده و در عربی و ادبیات فارسی و علوم قدیمه تبحر کامل دارند و... پس از شرح مبسوطی در شخصیت ایشان نمونه اشعار وی را آورده است.

نگارنده نیز شرح حال و نمونه اشعار استاد گرانقدر معاصر مرحوم واجد را در کتاب **شعراء دشتستان بزرگ** نوشته و منتشر کرده‌ام. مرحوم استاد حبیب یغمایی نیز در خاطرات خویش مرحوم واجد را از جمله مفاخر بسیار والا و برجسته دوران معاصر می‌داند. اکنون که سخن درباب شخصیت این راد مرد کم نظیر تاریخ معاصر به میان آمده بر خود واجب می‌دانیم که سخن استاد جعفر موید شیرازی را در مقدمه‌ای که بر دیوان واجد نوشته است درباره ارزش ادبی و برجستگی مضامین شعری واجد در اینجا نقل کنیم: «جایگاه واجد شیرازی» و شاعری او، در میان خوش آوازگان پس از مشروطیت، از مسند ملک الشعراء بهار، ایرج دهخدا، ادیب پیشاوری و پروین اعتصامی به لحاظی چندان فروتر نیست. به سخن دیگر، حق آن است که نام و جایگاه هنری واجد بی‌درنگ پس از اینان و همراه با فروزانفر، وثوق الدوله، مسرور، سخن یار، صورتگر، حبیب یغمایی - و از جهاتی - رعدی و حمیدی بررسی شود.

در میان شعرآفرینان شیراز هم اگر صورتگر، حمیدی، توللی از جهت شور عاطفی، نوپردازی و پرش‌های جانانه‌ای که به سوی مضامین مستقل شعری دارند، به جایی فراتر از واجد دست یافته‌اند و در این تردیدی نیست، از لحاظ اسلوب بیانی و سنجیدگی‌های زیبایی‌شناختی و آنچه «زبان دانی» خوانده شده است، سخن «واجد براین سه بزرگ پیشی گرفته است» سخن واجد یکی از کم



سایرین هم در آن تحصیل نمایند.^۸ استاد فراشبندی که خود از پیشتازان اهل قم بود و نسبت به دانشمندان و دانشوران عشق می‌ورزید، در صفحه ۱۶۶ جلد اول کتاب مذکور در بخش سیزدهم، بعد از مقدمه کوتاهی که طی آن از نویسندگان و شعراء گذشته برازجان مانند **واصفه ناظم، ساعی، مساوات، ترجمان، معتمد (میرزااحمدخان)** و خادم تجلیل می‌نماید، چند تن از دانشمندان و نویسندگان معاصر برازجان را با بیانی شیوا و قلمی پرشور و مهیج معرفی می‌کند که در صدر این بزرگان، شرح حال دانشمند ادیب و محقق وارسته مرحوم **واجد برازجانی**^۹ است که در مورد او می‌نویسد: «قدوة ادباء و زبدة فضلاء صاحب

لغزش‌ترین دیوان‌های قرن ما را شیرازه بسته است.»^{۱۰} نویسنده در فصل شانزدهم جلد اول، طوایف مهم برازجان را برشمرده و در فصل بعد به پیدایش فرقه سیاسی بهایی در شهر برازجان پرداخته و در ادامه آثار تاریخی برازجان را به اختصار معرفی کرده است و در فصل پایانی با جملاتی شورآفرین و هیجان‌انگیز دشتستان را مجدداً به خوانندگانش، با این بیان معرفی می‌کند: «دشتستان سرزمینی است که در دره‌های عمیق کوه‌های سربه فلک کشیده‌اش تا چندین سال بعد از جنگ بین‌المللی اول استخوان کشتگان سربازان دشمن دیده می‌شد. و دشتستانی‌ها مردمانی هستند که سربازان انگلیسی وقتی که برای جنگ با آنان، به جبهه جنگ اعزام می‌شدند مثل بیدرخود می‌لرزیدند، زیرا می‌دانستند با مهیب‌ترین دشمنان روبرو خواهند شد.»^{۱۱}

جلد دوم تاریخ جغرافیای برازجان یا سنگر مجاهدین را استاد فراشبندی در سال ۱۳۳۶ خورشیدی به قطع رقی در ۱۹۶ صفحه در چاپخانه نور شیراز منتشر کرد. جلد دوم نیز شامل یک دیباچه و یک مقدمه و بیست و پنج فصل می‌باشد.

وی در فصل اول این جلد، باز هم به تفصیل درباره برازجان و زمینه‌های رشد و توسعه آن سخن گفته است. سپس در فصل دوم جغرافیای تاریخی بندارووز Bondarooz و دهقاید، دو روستای پرجمعیت و مهم اطراف برازجان را شرح داده است. مطالب فصل‌های بعدی کتاب به شرح زیر است:

چرا برازجان را سنگر مجاهدین می‌گویند - رجال گذشته برازجان - تقسیمات سیاسی برازجان - وضع حکمرانی در برازجان قدیم - مراجع دعای و قضاوت در برازجان و توابع در زمانهای گذشته - اوضاع اجتماعی برازجان - روزنامه نگاران برازجانی - وضع مالکیت - اقتصادیات و کشاورزی - آبیاری - جنبش‌های اجتماعی در برازجان - امور کشاورزی و تولیدی - اوزان و مقادیر - اصلاحاتی که اخیراً به منظور عمران و آبادی شهر شروع یا انجام یافته است - راه‌های برازجان - طرز طبابت در

گوشه‌ای از تاریخ انقلاب مسلحانه مردم مبارز تنگستان، دشتی و دشتستان علیه استعمار

تألیف و تصحیح
علیرضا فراشبندی

فراشبندی در این کتاب از شمس‌الدین امیرعلایی یکی از مبارزان نامدار ایرانی که در سال ۱۳۳۴ شمسی در زندان شهر برازجان بسر می‌برده، تجلیل کرده است. ناگفته نماند فراشبندی هر دو جلد کتاب تاریخ و جغرافیای برازجان را به شمس‌الدین امیرعلایی تقدیم کرده است

مهم‌ترین مسائلی که فراشبندی در جلد دوم کتاب تاریخ و جغرافیای برازجان بدان توجه کرده است عبارتند از: روزنامه‌نگاران برازجانی؛ جنبش‌های اجتماعی در برازجان؛ شجره‌نامه‌های طوایف برازجان

هم طراز بوده است.

در ادامه همین مطلب فراشبندی، مشخصات روزنامه مساوات را این گونه شرح می‌دهد: «این روزنامه به طور هفتگی در چهار برگ متوسط در تهران منتشر می‌شد؛ مساوات روزنامه مذکور را در تهران جمعا بیست و پنج شماره منتشر کرد و شماره ۲۶ به بعد را در تبریز منتشر نمود. انتشار اولین شماره روزنامه مساوات روز یکشنبه پنجم رمضان ۱۳۲۵ قمری و آخرین شماره آن در تهران مصادف با به توپ بستن مجلس شورای ملی بود». هدف اصلی این روزنامه را فراشبندی و عموم مورخان معاصر، مبارزه با محمدعلی شاه قاجار و دربار فاسد او می‌دانند. پس از روزنامه مساوات، روزنامه جنوب ایران^۱ را دومین روزنامه‌ای می‌داند که مدیریت آنرا یک روشنفکر آزادیخواه دشتستانی برعهده داشته است و در سال ۱۳۲۸ قمری در تهران منتشر می‌شد. این جریده دو سال پس از انتشار به دستور ناصرالملک نایب‌السلطنه به بهانه اینکه به اجانب می‌تاخت توقیف گردید. هدف این روزنامه، ترقی ایران به دست ایرانیان و پیشرفت افکار ترقی خواهانه ایرانیان بود.

روزنامه‌نگار دیگری که در این فصل، فراشبندی با تجلیل تمام از وی نام می‌برد اسماعیل مرتضوی برازجانی، صاحب امتیاز مجله وزین «شرق بیدار» است که به صورت هفتگی در سال ۱۳۲۷ شمسی در تهران منتشر می‌شد و پس از انتشار ۱۴ شماره به سبب ضیق مالی به محاق تعطیل رفت. و بالاخره از روزنامه‌ای نام می‌برد که به نام «خامه ملت» توسط این استاد دانشمند و متهور و شجاع انتشار خود را در تاریخ سیزدهم مرداد ماه ۱۳۳۱ شمسی آغاز کرد و تا ۱۵ شهریور ماه ۱۳۳۲ که حکومت نظامی زاهدی آنرا توقیف کرد به صورت هفتگی در دو صفحه در شیراز به طبع می‌رسید و منویات و آرمان‌های ملت ایران و رهبر نهضت ملی مرحوم دکتر محمد مصدق را تبیین می‌کرد و تعقیب می‌نمود. هم چنین در انعکاس خواسته‌های مردم محروم دشتستان، دشتی و جنوب

بrazجان (در گذشته) - مطالب متفرقه - شهرداری - شجره‌نامه‌های طوایف برازجان - بیوگرافی مختصر مردی که مدتی در برازجان تبعید و بازداشت بوده است - در این فصل نیز همچون فصل گذشته از شمس‌الدین امیرعلایی یکی از مبارزان نامدار ایرانی که در سال ۱۳۳۴ شمسی در زندان شهر برازجان بسر می‌برده تجلیل کرده است. ناگفته نماند فراشبندی هر دو جلد کتاب تاریخ و جغرافیای برازجان را به شمس‌الدین امیرعلایی تقدیم کرده است. در فصل یکی مانده به آخر از سیدرضا محقق فرماندار سابق دشتستان (۱۳۳۴ شمسی) به نیکی یاد می‌نماید و خدمات ایشان نسبت به شهرستان دشتستان را می‌ستاید و در فصل پایانی به تقدیر از خادمان صدیق مطبوعات می‌پردازد.

مهم‌ترین مسائلی که فراشبندی در این کتاب بدان توجه کرده است را می‌توان، در عنوان‌های زیر خلاصه کرد ۱- فصل ۹: روزنامه‌نگاران برازجانی ۲- فصل ۱۳: جنبش‌های اجتماعی در برازجان ۳- فصل ۲۱: شجره‌نامه‌های طوایف برازجان.

در فصل روزنامه‌نگاران، روزنامه مساوات از مرحوم سیدمحمدرضامساوات برازجانی اولین روزنامه و بهترین جریده‌ای می‌داند که به جهت فضل تقدم و فضیلت شخصیت و آزادیخواهی و وطن پرستی و مقاومت مساوات در برابر استبداد صغیر، صاحب امتیاز آن سرآمد دیگر روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران برازجانی و دشتستانی بوده است. نویسنده برای تأیید سخن خود درباره مساوات و روزنامه‌اش، به گفته ادوارد براون انگلیسی در تاریخ ادبیات ایران و دکتر عبدالله رازی در تاریخ مفصل ایران، استناد می‌جوید و به نقل از ایشان چنین می‌گوید: «روزنامه مساوات از نقطه نظر ادبی جزء بهترین جراید بعد از انقلاب مشروطه می‌باشد و آن روزنامه را می‌توان در ردیف روزنامه‌های صوراسرافیل و نسیم شمال و نوبهار بشمار آورد. دکتر عبدالله رازی نیز روزنامه مساوات را یکی از وزین‌ترین روزنامه‌های پایتخت می‌داند که با روزنامه‌های صوراسرافیل و مجلس و ادب هم سنگ و

واستمنوس لورنس الحانی

داستان ستم‌خیزان

مؤسسه اعظم میرفخرایی
کتابخانه تاریخی و جغرافیایی / خرداد و تیر ماه ۱۳۸۰

ایران می‌کوشید.

مؤلف در فصل جنبش‌های اجتماعی در برازجان، از تشکیلاتی به نام «انجمن اخوت» در اوایل سلطنت رضاشاه خبر می‌دهد و هدف اساسی این انجمن را پیشرفت امور شهربرازجان و اصلاح وضع اجتماعی و اقتصادی مردم می‌داند.

دومین انجمن نیز «انجمن جعفری» است که در آغاز نهضت ملی شدن صنعت نفت، توسط عده‌ای از افراد روشنفکر و مترقی برازجانی تاسیس شد. این انجمن نیز هدفی جز پیشرفت شهر و بهبود اوضاع اقتصادی - اجتماعی همشهریان خویش نداشت. سومین تشکیلات برازجانی را نویسنده محترم،

جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری

تألیف و تصنیف
علیهر آقا فراشبندی
مقدمه سابق روزنامه «دشتستان»



مؤلف، روزنامه مساوات از مرحوم سید محمد رضا مساوات برازجانی را اولین روزنامه و بهترین جریده‌ای می‌داند که به جهت فضل تقدم و فضیلت و شخصیت و آزادیخواهی و وطن پرستی و مقاومت مساوات در برابر استبداد صغیر، صاحب امتیاز آن، سرآمد دیگر روزنامه نگاران برازجانی و دشتستانی بوده است

فراشبندی در فصل بیست و یکم کتاب، تمام طوایف و قبایل ساکن و مهاجر شهر برازجان را بررسی می‌کند و ضمن معرفی آن طایفه‌ها، وجه تسمیه و مبداء مهاجرت و علت مهاجرت طوایفی را که از نواحی همجوار یا دور دست به برازجان آمده و سکونت گزیده‌اند کاملاً توضیح داده است

گرانقدر را ستوده‌ام، استادی که همچون او در دوران معاصر به ندرت یافت می‌شود. او در دوران زندگی به کارهایی بزرگ دست یازید، به همین سبب در صفحه تاریخ نامی بزرگ از خود به یادگار گذاشت، آن چنانکه گفته‌اند:

هر کس که به تاریخ وی اقدام بزرگ است در صفحه تاریخ از او نام بزرگ است

پی نوشت‌ها:

- ۱- تاریخ و جغرافیای برازجان یا سنگر مجاهدین، جلد اول، ص ۳.
- ۲- همان، ص ۴.
- ۳- همان، ص ۸.
- ۴- استاد فراشبندی بعد از نشر این کتاب چندین کتاب در

زمینه مبارزات ضد استعماری مردم دشتستان تألیف کرد، درباره جنگ ۱۲۷۳ قمری یا به قول کاپیتان هنت انگلیسی «جنگ خوشاب» که کتابی تحت همین عنوان منتشر کرده است فراشبندی کتاب «حماسه مرزداران جنوب ایران» و «جنگ ایران و انگلیس» و نیز در مورد مقاومت‌های شگرف دشتستانی‌ها در بحبوحه جنگ جهانی اول کتابهای «گوشه‌ای از مبارزات مسلحانه مردم جنوب ایران» و «جنوب در نهضت ضد استعماری» و «تاریخچه حزب دموکرات فارسی» را تألیف و منتشر کرد.

- ۵- تاریخ و جغرافیای برازجان، جلد دوم، ص ۴۳.
- ۶- تاریخ و جغرافیای برازجان، جلد دوم، ص ۴۶.
- ۷- تاریخ و جغرافیای برازجان یا سنگر مجاهدین، ص ۱۱.
- ۸- تاریخ و جغرافیای برازجان، جلد اول، ص ۱۲۱.
- ۹- دیوان واجد برازجانی در بهار ۱۳۷۸ به اهتمام فرزندان ایشان دکتر جواد واجد در شیراز منتشر شد.
- ۱۰- هیبت الله مالکی، شعراء دشتستان بزرگ، ص ۱۸۲ تا ۱۸۶.

۱۱- به سبب سکونت در شیراز علما و دانشمندان شیرازی، تمایل دارند که او را شیرازی بدانند.

- ۱۲- مقدمه دیوان واجد، دکتر جعفر مؤید شیرازی، ص ۶.
- ۱۳- تاریخ و جغرافیای برازجان، جلد اول، ص ۲۳۷.
- ۱۴- تاریخ و جغرافیای برازجان، ص ۸۷ تا ص ۹۱.
- ۱۵- تاریخ و جغرافیای برازجان، ص ۹۷-۹۶.

البته در این زمینه، راقم این سطور نیز تحقیقات گسترده‌ای انجام داده که، در کتابی تحت عنوان تاریخ دشتستان منتشر خواهد شد. این همان کتابی است که در مقدمه شرح حال شعراء دشتستان بزرگ وعده تألیف آن به خوانندگان گرامی داده شده بود.

استاد فراشبندی، غیر از تاریخ و جغرافیای برازجان یا «سنگر مجاهدین» در دو جلد، به تألیف و تصنیف چهل کتاب دیگر، نیز کامیاب شدند، که در تمام این آثار، آنچه بیش از هر چیز دیگری خواننده را مجذوب می‌کند حق گوئی و حق پویی این نویسنده پرکار است. فراشبندی همان گونه که در زندگانی پربارش همواره این دویبت را از کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی بر لب داشت و تکرار می‌کرد که،

من جز به مدح مردم دانشمند

هرگز نه خامه رانم ونه دفتر

من قدر کلک خویش نکو دانم

هرگز نیم به سفله ثنایرور

با همین دیدگاه نیز قلم می‌زد، چنانکه بنده نیز در قصیده‌ای که در هنگام درگذشت وی به تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۷۶ خورشیدی سروده‌ام؛ با این مطلع آغاز می‌شود:

ای عیار دانش و دانشوری

ای تو استاد مضامین دری

ای بنانت در بیان نیکوروش

گاه تصنیف و دقایق پروری

در بیت بیست و نهم چنین گفته‌ام:

تو فزون از چهل کتاب ای پرهنر

کرده‌ای تصنیف و هم گردآوری

پیشتازی کرده‌ای اندرجنوب

در بیان حق هر صاحب سری

خامهات می‌بود دائم حق نما

وز تملق وز تصلف هم بری

خصائص فردی و کرامت‌های فطری این استاد

شرح حال شعرای دشتستان بزرگ

نگارنده

هیبت الله مالکی

زمستان ۶۹

«حزب پان ایرانیست» می‌داند. تاریخ تاسیس این حزب را سال ۱۳۳۰ شمسی نوشته است. موسسین این حزب را عده‌ای از جوانان انقلابی و خونگرم برازجانی دانسته و پایان بخش فعالیت این حزب را کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نگاشته است.^{۱۵}

در فصل بیست و یکم کتاب مذکور فراشبندی با دقت نظر یک پژوهشگر متعهد تمام طوایف و قبایل ساکن و مهاجر شهر برازجان را بررسی می‌کند و ضمن معرفی آن طایفه‌ها، وجه تسمیه و مبداء مهاجرت و علت مهاجرت طوایفی را که از نواحی هم جوار یا دور دست به برازجان آمده و سکونت گزیده‌اند کاملاً توضیح داده است.